

تصیحات دادگاهها

رأی تمیزی دادگاه استیناف بر نقض

در موردیکه با قانونی نبودن ابلاغ حکم دادخواست استینافی بعنوان خارج از موعد بودن رد شده

ماده ۳۱ و ۲۸۳ قانون آزمایش

استینافی از طرف محکوم علیه بر اثر اطلاع بر صدور حکم حتی قبل از ابلاغ غیر قانونی ممکن است لتهایه آثر نظر محکمه این باشد که (مبدء مهلت از تاریخ ابلاغ حکم شروع و چون حکم ابلاغ نگردیده مهلت استینافی شروع نشده و قبل از شروع بمدت تقدیم عرضحال در خارج مدت قانونی صادق است) میتواند عرضحال را از حیث عدم شروع بمدت قانونی رد کند نه از جهت انقضاء مدت قانونی و بنا بر این نظر محکمه در اصدار قرار میزغنه مخالف است با مواد مربوطه بمهلت استیناف و شروع بمدت با انقضاء آن و عدم رعایت اصول مزبوره باندازه اهمیت دارد که قرار میزغنه را از اعتبار قرار قانونی میاندازد زیرا فرق بین رد عرضحال از جهت عدم شروع بمدت و رد آن از جهت انقضاء مدت مثل فرق بین قوت حق استیناف و بقاء حق مزبور است لذا قرار ممیز عنه بموجب ماده ۳۴۹ اصول محاکمات آزمایشی نقض می شود و چون محکمه استیناف بعد از نقض احکام مأذون در رسیدگی بماهیت دعوی است نه قرار لذا رسیدگی مجدد بهمان شعبه ارجاع میشود)

کسی در دادگاه صالح محکوم شده و طبق تصدیق مأمور ابلاغ از رؤیت حکم استنکاف کرده لیکن این تصدیق طبق ماده ۳۱ قانون آزمایش دارای شهادت دو نفر شاهد برای استنکاف نبوده است - و محکوم علیه ۲۵ روز پس از رؤیت حکمی که از امضای آن استنکاف کرده بوده دادخواست استینافی بدادگاه بدایت تقدیم میکند - دادگاه نامبرده بعنوان آنکه تقدیم دادخواست استینافی دلیل بر تسلیم با ابلاغ حکم است و با فرض رعایت مسافت چون در محل دفتر مأمور صلح بوده دادخواست خارج از موعد تقدیم شده آثر ارد کرده است - دادگاه استیناف در حکم تمیزی شماره ۳۲ بتاریخ ۱۳-۴-۱۶ چنین رأی داده است :

(چون با ملاحظه آنکه محکمه ابتدائی ابلاغ حکم را بمستأنفین ابلاغ قانونی ندانسته و فقط باستناد این که تقدیم عرضحال استینافی از طرف مشارالیه تسلیم با ابلاغ است عرضحال مزبور را رد کرده در صورتیکه بین تقدیم عرضحال استینافی و تسلیم مستأنف بقانونی بودن ابلاغ غیر قانونی ملازمه قانونی وجود ندارد چه آنکه تقدیم عرضحال

رأی دیوان کشور بر نقض

در موردی که دادخواست شکایت از رأی داور را از نظر آنکه دعوی از طرف دادگاه

بداوری ارجاع نشده رد کرده اند

ماده ۲۷ قانون حکمیت

اصلاح حکمیت دادخواست اعتراض بر حکم داور بدادگاهی داده میشود که امر را بدآوری ارجاع کرده و در این مورد از طرف دادگاه بدآوری ارجاع نشده - قرار رد دادخواست

اداره شهرداری از حکم داوری که طرفین انتخاب کرده بودند بدادگاه بدایت شکایت کرده دادخواست را رد کرده و دادگاه استیناف از نظر آنکه موافق مواد قانون

هر يك از دو طرف حق داده شده از دادگاهی که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد ابطال رأی حکم را بخواهد هر چند مطابق ماده يك قانون مزبور اختلاف در خارج از دادگاه بعکس رجوع شده باشد بنا بر این قرار مورد شکایت بموجب شق ۳ ماده ۳۴۰ اصول محاکمات اصلاحی نقض میشود (۰۰۰)

را تأیید کرده - دیوان کشور شعبه (۴) در حکم شماره ۱۸۱۴ بتاريخ ۲۰ ر ۶ ر ۱۷ چنین رأی داده است :

(چون قرار رد دادخواست اداره شهرداری باستناد اینکه از طرف دادگاه بداورری داور ارجاع نشده صحیح نیست چه بر تقدیر اینکه مورد مشمول ماده هفت قانون احداث و توسعه معابر نباشد در ماده ۲۷ قانون حکمیت

رأی دیوان کشور بر نقض

در موردیکه دادخواست رفع اختلاف میان صلحیه و بدایت را دادگاه استیناف رد کند

ماده ۱۶ و ماده ۱۵۶ مکرر قانون اصول محاکمات حقوقی

صلح و ابتدائی و قرار عدم صلاحیت صلحیه نسبت بامور راجع بابتدائی و همچنین قرار دادگاه بدایت در مقابل دادگاه صلح بموجب تبصره ماده (۱) قانون تسریع محاکمات از جمله قرارهای عدم صلاحیت ذاتی است که بموجب ماده ۹ آن قانون قابل استیناف میباشد و چون مدعی از هیچ يك از قرارهای صادر از دادگاه بدایت و صلح استیناف نخواستہ بلکه بموجب لایحه صرفاً تقاضای رفع اختلاف کرده است که رفع اختلاف هم با دادگاه استیناف نمیباشد لذا تقاضای مشارالیه رد میشود) و دیوان کشور شعبه (۱) در حکم شماره ۱۸۲۱ بتاريخ ۱۲-۸-۱۷ باستناد آنکه طبق ماده ۱۶ قانون اصول محاکمات حقوقی رفع اختلاف میان دادگاه صلح و بدایت با دادگاه استیناف است قرار مزبور را نقض کرده است .

کسی دادخواست خسارت ده يك اجرائی در حد نصاب صلح بدادگاه صلح تقدیم کرده دادگاه نامبرده باستناد ماده ۱۵۶ مکرر اصول محاکمات حقوقی بلاحفاظ آنکه اصل دعوی در بدایت مطرح بوده قرار عدم صلاحیت خود را داده است و دادگاه بدایت باستناد آنکه ماده ۱۵۶ مکرر ناظر بخسارت دادرسی و هزینه آن است نه خسارت ده يك اجرائی و اینکه مدعی به در نصاب صلحیه است قرار عدم صلاحیت خود را میدهد - مدعی از دادگاه استیناف حل اختلاف را درخواست میکنند - دادگاه نامبرده چنین رأی داده است :

[آنچه از مواد مربوطه باختلاف دادگاهها در صلاحیت استفاده میشود آنست که تسویه اختلافات حاصله بین دو دادگاه بدایت با دادگاه استیناف است نه تسویه اختلاف دادگاه

رأی تمیزی دادگاه استیناف بر نقض

در موردیکه تصرف شريك در تمام ملك مشاع غصب و موجب ضمان دانسته نشده

ماده ۳۰۸ و ۵۸۲ قانون مدنی

در مدت معین معرّف باشد این تصرف موجب الزام او بپرداخت اجرة المثل نیست زیرا مدعی علیه نسبت بچند سهم مشاع حمام مستأجر بوده و تصرف مستأجر در ملك مشاع بدون قرارداد موجب الزام بپرداخت اجرة المثل باقی سهام نمیباشد مگر اینکه مانع تصرف مالکین سایر سهام بشود که در این

کسی باستناد اظهار نامه بر مستأجر حمام مشاعی در دادگاه صلح اقامه دعوی کرده و مطالبه مبلغی مال الاجاره کرده - دادگاه بعلت عدم اقامه دلیل کافی مدعی را به بیحقی محکوم کرده و دادگاه بدایت که استینافاً رسیدگی کرده با استدلال اینکه (بر فرض آنکه تصرف مدعی علیه در مورد اجاره

وت غاصب و ملزم بپرداخت اجرة المثل است و در این
دلیلی بر ممانعت اقامه نشده (حکم بدوی را تأیید کرده
است - دادگاه استیناف در حکم تمیزی شماره ۱۴۱ بشاریح
ار ۱۷۴ر ۱۷ چنین رأی داده است :

(چون حکم میز عنده با فرض احراز تصرف مدعی علیه
روی در حاکم مشترك با استناد عدم ممانعت مشارالیه از تصرف
بعضی های بدوی در سهام خود و اینکه مدعی علیه بدوی بهمین
جهت غاصب محسوب نیست تا نسبت با جرة المثل ملزم باشد
آذر گردیده و استدلال و استناد مذکور صحیح نمیباشد
زرا یکی از موجبات ضمان قهری غصب است و بموجب
ماده ۳۰۸ قانون مدنی اثبات بد بر مال غیر بدون
توز هم در حکم غصب خواهد بود و بنا بر این تصرف و

اثبات بد مدعی علیه در سهام مدعی ها که دادگاه با فرض
احراز آن حکم داده از حیث تقویت منافع متعلق بدعی -
ها موجب ضمان قهری مدعی علیه نسبت به منافع مذکور
خواهد بود، كما اینکه بموجب ماده ۵۸۲ قانون مذکور
تصرف یکی از شرکاء بدين اذن شريك دیگر موجب ضمان
است و در این مورد بر فرض آنکه مدعی علیه شريك در
منافع حاکم بوده بدون اجازه مدعیها حق دخالت در منافع
مشترک نداشته و بهمین جهت دخالت مشارالیه در صورت
ثبوت نسبت باو موجب ضمان خواهد بود و حکم تمیز -
عنه مخالف قانون صادر شده . لذا بموجب شق در
از ماده سیصد و چهل اصول محاکمات آزمایش منقوض
است ...)

رأی تمیزی دادگاه استیناف بر نقض

در مورد بیکه زن جزء ورثه از نظر پرداخت بده مورث شناخته شده باشد

ماده ۹۴۰ قانون مدنی

بعقیده وکیل مزبور وراثت وده اند منصرف در متروکات آن مرحوم
معرفی کرده و موافق قاعده توارث بمقام مطالبه برآمده معذلك
محکمه فوق الذکر هر سه زن را که بموجب ماده ۹۴۰ قانون
مدنی وراثت بوده اند فاقد عنوان وراثت معرفی و بهمین
لحاظ در متروکات مرحوم تنها مدعی علیه و خواهرانش
را سهم تشخیص و در روی این تسهیم حکم صادر کرده و همین
حکم بدون اینکه در مرحله استیناف دلیل منافی با وراثت
و دخالت زوجات اقامه شود و حتی با نظر حاکم بدایت به
اینکه مدعی علیه هم یکی از دخالت کنندگان در متروکات
بوده که این نظر مشعر بر این است که مشارالیه نظیر باقی
وراثت در دخالت بوده است حکم بدوی را با همان جهات
استنادی در آن حکم تأیید نموده بنا بر این حکم تمیز عنه
مخالف قانون و بموجب ماده ۳۴۰ قانون آزمایش بانفاق آراء
نقض میشود ...)

کسی با استناد سند ذمی بر ورثه بدهکار (بدون
زنهاى او) اقامه دعوى کرده دادگاه صلح پس از رسیدگی
و احراز اصالت سند هريك از ورثه را بقدر سهامشان
محکوم بپرداخت بده کرده ولی زنها را با استناد اینکه زن
جزء ورثه نیست بلکه از لحاظ آنکه فرض بر است و در تمام
ترکه سهم نیست از جمله دیان موارث محسوب است نه از جمله
ورثه که سهم بده بآنها نیز متعلق شود شريك در پرداخت
دين قرار نداده و در مرحله استینافی حکم مزبور تأیید
شده است.

دادگاه استیناف در حکم تمیزی شماره ۳۵۴۰ بشاریح
ار ۱۸۱ر ۱۶ چنین رأی داده است :

(در نظر محکمه صلح این معنی مسلم تلقی شده که
مورث مدعی علیه بدوی سه نفر زن داشته و با وجود اینکه
وکیل مدعی دعوی را بر ورثه طرح و کلیه اشخاصی را که

رأی تمیزی دادگاه استیناف بر رد دادخواست

در موردی که از حکم محقق ثبت مستقیماً تمیز بخواهند

ماده ۱۴ قانون تسریع و ماده ۵۷ نظامنامه محقق ثبت

محکمه ابتدائی را نسبت بحکم محقق قابل تمیز قرار داده برای الحاق محقق ثبت بمحکمه صالح از حیث قابل تمیز بودن احکام محقق مستقیماً کافی نیست و بالجمله از مجموع عنوان و قوانین و نظامنامه ها استفاده میشود که محقق ثبت محکمه صالح مخصوص بدعاری اعتراض بر ثبت نیست بلکه محکمه مخصوص است که احکام آن از حیث قطعیت و قابلیت اعتراض و استیناف و تمیز و اعاده محاکمه تابع قوانین و نظامنامه های مربوطه بمحقق ثبت بوده و مشمول قواعد منعلقه بمحاکم عمومی نیست و در قوانین و نظامنامه های راجعه بمحقق ثبت قابل تمیز بودن حکم محقق ثبت مستقیماً پیش بینی نشده و بجهات مذکوره قابل تمیز بودن حکم ممیر عنه مستند قانونی ندارد لذا قرار رد عرضحال مستدعی تمیز بواسطه قابل تمیز نبودن حکم ممیز عنه اعلام میگردد)

کسی نزد محقق ثبت محکوم ببطالان دعوی اعتراض مثبت شده وبدون آنکه از حکم مزبور استیناف بخواهد تمیز خواسته - دادگاه استیناف در حکم تمیزی شماره (۵) بتاريخ ۲۵/۱/۱۷ چنین رأی داده است:

(ماده ۱۴ قانون تسریع محاکمات فقط احکام و قرارهای محاکم صالحه را قابل استدعاء تمیز قرار داده و بالضروره محقق ثبت محکمه صالحه نیست کم اینک در قوانین و نظامنامه ها حدود صلاحیت و حد نصاب و قابل تمیز نبودن احکام محاکم ابتدائی که نسبت بحکم محقق ثبت استینافاً صادر میشده اختلاف داشته اند نسبت بحکم صالحه بموجب اصول محاکمات قابل استدعاء تمیز و نسبت بحکم محقق ثبت موافق نظامنامه سابق غیر قابل استدعاء تمیز و قوانین و نظامنامه های اخیر که حد نصاب محکمه صالحه را باندازه محقق ثبت بالا برده و حکم استینافی

رأی تمیزی دادگاه استیناف بر ابرام

در مورد رد دادخواست اعتراض بر حکم غیابی باستناد مطلق بودن وکیل

ماده ۵۵ قانون وکالت و ماده ۲۵۷ قانون آزمایش

داده است.

(اعتراضات مستدعی وارد نیست زیرا ماده ۵۵ قانون وکالت و کلاً معلق را از هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع نموده دادن عرضحال اعتراض بر حکم ممیز عنه عمل وکالتی محسوب است و عدم اطلاع وکیل از معلق بودن خود و یا صحیح نبودن ابلاغ حکم بوکیلی که از معلق وکالت معلق شده مجوز قبول عرضحال او نبوده اگر حکم در این مورد بخود موکل ابلاغ نشده میتواند پس از ابلاغ در مدت قانونی اعتراض نماید بنا بر این قرار ممیز عنه بموجب ماده

کسی بر درخواست ثبت ملکی اعتراض کرده و در مرحله استینافی معترض علیه غیباً محکوم شده و بر اثر اعتراض بر حکم غیابی دادگاه بدایت مجدداً رسیدگی کرده و از لحاظ اینکه وکیل معترض طبق ماده ۴۷ قانون وکالت از اشتغال بشغل وکالت معلق گردیده بوده و حین تعلیق اعتراض بعمل آمده که قانونی نبوده دادخواست او وارد کرده است - محکوم علیه تمیز خواسته و اعتراض کرده که رد دادخواست بر خلاف ماده ۲۵۷ قانون آزمایش بوده و وکیل از تعلیق خود مستحضر نبوده است - دادگاه استیناف در حکم تمیزی شماره ۳۱۶۱ بتاريخ ۵/۹/۱۶ چنین رأی

۳۳۹ اصول محاکمات ابرام میشود]

رای تمیزی دادگاه استیناف بر نقض

در موردیکه شنیدن شهادت از لحاظ اماره و کشف حقیقت رد شده باشد

ماده ۱۳۰۶ قانون مدنی

اثبات تعهد و یا رفع آثار تعهدی که موضوع آن متجاوز از ۵۰ تومان باشد نبوده بلکه مقصود این بوده هر شب که مدعی کار میکرده مزد میگرفته و این امر با تعهدی که موضوع آن پنجاه تومان باشد ارتباطی ندارد اساساً ماده ۱۳۰۶ قانون مدنی گر چه استناد بشهادت را بعنوان دلیل در مورد تعهداتی که موضوع آنها متجاوز از ۵۰ تومان باشد منع کرده ولی استماع شهادات را از لحاظ اماره بودن و روشن شدن خصوصیات دعوی و دفاع از آن بلا مانع تلقی کرده بنابراین رأی محکمه در رد تقاضای استماع شهود مخالف با مفاد ماده مزبوره و حکم ممیز عنده باین جهت علیل و با اتفاق اراء بموجب ماده سیصد و چهل قانون آزمایش نقض می شود ۰۰۰)

کسی باستناد قرار داد از مدعی علیه مبلغ ۵۸۰ ریال بابت مزد روزانه مطالبه کرده - مدعی علیه برای پرداخت روزمزد بطور روزانه استناد بشهادت شهود کرده و در مرحله دوی و استینافی از لحاظ آنکه مبلغ مورد ادعا که زائد ۵۰۰ ریال است باستناد شهادت شهود قابل اثبات نیست محکوم شده - دادگاه استیناف در حکم تمیزی شماره ۳۵۲۹ بتاریخ ۱۸/۱۱/۱۶ چنین رأی داده است :

[بر حکم محکمه از این جهت اشکال متوجه است که از نظر اینکه موضوع شهادت شهود بیش از پنجاه تومان است محکمه از شنیدن شهادات خودداری نموده که این نظر مغدوش است زیرا علاوه از اینکه مراد از اقامه شهود

رای تمیزی دادگاه استیناف بر نقض

در موردیکه دعوی نشوز در قبال دعوی نفقه بعنوان آنکه دعوی مستقلی است شنیده نشده باشد

ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی

فرض ثبوت موثر در دعوی بوده استناد بشهادت يك عده شهود نموده و تقاضا کرده که از شهود او تحقیقات شود محکمه در تحت این عنوان که دعوی نشوز دعوی مستقل است توجیهی بتقاضای مزبور استشهادیه استنادیه مستدعی نکرده در صورتی که موافق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی زوجه وقتی استحقاق نفقه را خواهد داشت که از عمل بوظایف زوجیت امتناع ننماید و در مورد قضیه فرض ثبوت نشوز کاملاً موثر در عدم استحقاق مستدعی علیها و در مقابل ادعای مخدره دعوی نشوز دفاع محسوب بوده که این معنی مورد توجه محکمه واقع نشده بنا بر مراتب تحقیقات محکمه ناقص و بموجب ماده ۳۴۰ قانون آزمایش حکم ممیز عنده با اتفاق آراء نقض میشود ۰۰۰)

زنی بر شوهر خود دعوی نفقه اقامه کرده - دادگاه صلح از لحاظ آنکه شوهر از خانه خارج شدن زن را بی اجازه او ثابت نکرده پس از ارجاع بخبره او را محکوم کرده است و در مرحله استینافی تأیید شده - محکوم علیه تمیز خواسته و عمده اعتراض این است که عیال او بی اجازه او از منزلش خارج شده و استناد بشهادت شهود و مطلعین کرده که ناشزه بودن او را مدلل کند و دادگاه توجیهی نکرده است - دادگاه استیناف در حکم تمیزی شماره ۱۵۲۹ بتاریخ ۱۶/۶/۲۶ چنین رأی داده است :

(چون مطابق حکایت محتوبات پرورنده استینافی هستند تمیز برای اثبات نشوز و عدم تمکین مدعیه که بر

رأی تمیزی دادگاه استیناف بر نقض

در مورد سقوط دعوی استینافی بعنوان عدم تعقیب مستأنف در صورتیکه عدم تعقیب مربوط با و نبوده

ماده ۳۰۲ قانون آزمایش

(چون بعد از فوت مستأنف علیه هنوز تکلیف در عهده محکمه بوده که بعد از معرفی ورثه تعقیب از رسیدگی نماید و بعبارة آخری بعد از اخطار بار و تصدیق فوت از طرف مأمور اخراج رسیدگی از نوبت موردی نداشته لذا تکلیف بدوی محکمه در تعیین جلسه هنوز تکمیل نشده و در همچو موردی مادام فوت مستأنف علیه بمستأنف و با وکیل او اعلام نشده بوده مشارالیه تکلیفی در تعقیب دعوی (بمناسبت بقاء تقاضای تعقیب در عریضه در قوت خود) نداشته بنابراین قرار میزند علیه و بموجب ماده ۳۰۲ قانون آزمایش با اتفاق آراء نقض میشود . . .)

کسی در دادگاه صلح بپرداخت مبالغی محکوم شده و در مرحله استینافی رقت معین و بطرفین ابلاغ میشود مأمور ابلاغ ذیل ابلاغیه فوت مستأنف علیه را تصدیق کرده و دادگاه باین نظر و از نظر آنکه مستأنف نیز در موعد مقرر حاضر نشده و رسیدگی را از نوبت خارج کرده پس از سه ماه وارث متوفی از لحاظ عدم تعقیب دعوی استینافی بیش از سه ماه درخواست سقوط دعوی را کرده دادگاه پس از رسیدگی عذر مستأنف را بعنوان کسالت نپذیرفته و قرار سقوط دعوی استینافی را داده است - دادگاه استیناف در حکم تمیزی شماره ۳۳۹۱ بتاريخ ۳۱/۱/۱۶ چنین رأی داده است :

رأی دیوان کشور بر نقض

در موردیکه دادگاه جنائی در جلسه مقدماتی از ۳ نفر و پس از آن از ۵ نفر تشکیل شده

ماده ۱۸۵ اصلاحی اصول محاکمات جزائی

العموم بدایت بدایت گناه انتسابی بمتهم قتل عمدی بوده و مجازات اصلی آن اعدام است طبق ماده ۱۸۵ اصلاحی قانون اصول محاکمات جزائی رسیدگی بچنین اتهامی میبایست در دادگاه جنائی مرکب از ۵ نفر بعمل آید و نظر باین که طبق حکایت صورت نشست مقدماتی دادگاه در نشست مزبور مرکب از سه نفر بوده و این تشکیل مخالف قانون بشمار میرد لذا بموجب ماده ۴۳۰ قانون مذکور حکم مورد درخواست تمیز با اتفاق آراء نقض میشود . . .)

کسی بانهام خفه کردن طفلی مورد تعقیب واقع و دادگاه جنائی در جلسه مقدماتی از سه نفر تشکیل و قرار عدم نقص پرونده صادر و جلسه دادرسی را از ۵ نفر تشکیل داده و با رعایت تخفیف متهم را بده سال حبس با اعمال شاقه محکوم کرده است - شعبه (۲) دیوان کشور در حکم شماره ۱۹۲۹ بتاريخ ۲۹/۸/۱۷ چنین رأی داده است :

[نظر باینکه در این مورد که بر حسب دعوی مدعی -

رأی دیوان کشور بر نقض

در موردیکه تاریخ وقف نامه مبدا و ملاک مرور زمان شناخته شده

ماده قانون مرور زمان اموال غیر منقول

اداءه اوقاف در دادگاه بدایت مدعی وقفیت ملکمی | شده مدعی علیه ابراد مرور زمان کرده دادگاه بدایت پس

(دادگاه استیناف با استناد اینکه از تاریخ وقف نامه بیش از چهل سال گذشته قرار مرور زمان را تأیید کرده و این استدلال مخدوش است زیرا که در این مورد هم چنانکه دادگاه بدایت استدلال کرده تصرف بعنوان ملکیت در مدت چهل سال بدون اینکه منقطع شود ملاک مرور زمان میتواند واقع شود. بنابراین حکم میزغنه مخدوش و بموجب ماده ۳۴۰ قانون آرایش نقض میشود.)

از رسیدگی با استناد آنکه از آغاز تصرف مدعی علیه بعنوان ملکیت در ملک مورد دعوی بیش از ۴۰ سال گذشته قرار مرور زمان صادر کرده است - و دادگاه استیناف با استناد آنکه از تاریخ وقف نامه بیش از چهل سال گذشته قرار بدوی را تأیید کرده - دیوان کشور شعبه (۳) در حکم شماره ۱۹۲۴ بتاریخ ۱۶-۸-۱۷ چنین رأی داده است :

رأی دیوان کشور بر نقض

در مورد بیکه دادگاه استیناف از دور رئیس شعبه تشکیل شده باشد

ماده ۳۶ و ماده الحاقیه مصوب ۲۷-۷-۱۱ اصول تشکیلات

است در صورتیکه مطابق ماده ۳۶ اصول دادگستری مصوب ۱۳۰۷ دادگاه استیناف از یک نفر رئیس و دو عضو مرکب و مستفاد از ماده الحاقیه اصول تشکیلات مصوب ۲۷-۷-۱۱ که تشکیل دادگاه استیناف را از دو نفر تجویز نموده این نیست که دو رئیس در يك مورد تشکیل دادگاه دهند و جمع دو ماده باین خواهد بود که دادگاه از يك رئیس و يك عضو یا از دو عضو تشکیل گردد بنا بر این در حین صدور قرار میزغنه دادگاه موافق قانون مرکب نبوده و قرار میزغنه بلحاظ مزبور و بموجب ماده ۳۴۰ قانون آرایش با تفیق آراء نقض میشود.....)

کسی در دادگاه بدایت بدرخواست ثبت ملکیت اعتراض کرده و بواسطه عدم رفع نقض دادخواست او رد شده - و دادگاه استیناف تشکیل یافته از رئیس استیناف و رئیس شعبه قرار رد دادخواست را تأیید کرده است - شعبه (۳) دیوان کشور در حکم شماره ۷۹۲ بتاریخ ۳۱-۳-۱۷ و حکم شماره ۱۹۲۷ بتاریخ ۳۰-۸-۱۷ چنین رأی داده است :

(چون تشکیل دادگاه استیناف در موقع صدور قرار میزغنه قانونی نیست چه بر حسب حکایت قرار مزبور دادگاه از رئیس استیناف و رئیس شعبه تشکیل گردیده

رأی دیوان کشور بر ابرام

در مورد بیکه دادگاه جهالت و نادانی را علت تخفیف شمرده

ماده ۴۵ قانون مجازات

رأی داده است :

اعتراض مدعی العموم استیناف بر حکم مورد درخواست تمیز دایر باینکه دادگاه استیناف جهالت متهم را موجب تخفیف مجازات او قرار داده و این امر از موجبات و علل تخفیف بشمار نمیرود وارد نیست چه علل تخفیف مجازات منحصر بموارد منصوص در قانون نشده و ممکن است درباره

جوان ۱۸ ساله با اتهام انداختن سنگ و رسیدن بطفل هشت ساله که منتهی بمرک او شده تحت تعقیب آمده و در دادگاه جنحه تبرئه و در دادگاه استیناف به ششماه حبس در دارالتادیب با رعایت تخفیف از جهة جهالت و نادانی محکوم شده است - بر اثر استیناف مدعی العموم شعبه ۲ دیوان کشور در حکم شماره ۱۸۳۸ بتاریخ ۱۲-۸-۱۷ چنین

درباره متهم تعیین شده بر هر تقدیر مجازات معینه در حدود اختیار قانونی دادگاه بوده است و حکم مورد درخواست با اتفاق آراء ابرام میشود.

هوارد جهالت و نادانی و اوصاف فعلی یا فاعلی دیگری در نظر دادگاه موجب تخفیف مجازات بشود و بعلاوه در این مورد که طبق ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی حبس در دارالتادیب

رای دیوان کشور بر تقض

در مورد بکه دادگاه جنائی راجع بحکمی که از لحاظ تطبیق جرم نقض شده بوده وارد رسیدگی در اصل مجرمیت شده و متهم را تبرئه کرده

ماده ۴۱۰ و ۴۱۱ اصول محاکمات جزائی

حکم مجازات مرتکب طبق آن ماده و با این ملاحظه حکم محکومیت کسی بمجازات مشتمل بر دو قسمت خواهد بود (تشخیص تقصیر - حکم مجازات) که این دو قسمت در مرحله تمیزی از حیث نقض و ابرام قابل تفکیک است بنا بر این نقض اینگونه احکام در دیوان کشور فقط از جهت مخالفت حکم مجازات با قانون بدون توجه اشکال موجب نقض نسبت بقسمت تشخیص تقصیر متهم سربابت بقسمت دیگر نمیکند و جزء از حکم مورد درخواست مبرم محسوب و دادگاه که برای اصلاح جهت نقض معین میشود مکلف خواهد بود که فقط همان قسمت نقض شده را مورد نظر قرار دهد و تجدید رسیدگی در قسمت دیگر مخالف اصول بشمار میرود و نظر باینکه در این قضیه حکم دادگاه جنائی فقط از حیث حکم مجازات در دیوان کشور نقض شده و حکم تشخیص اصل تقصیر و ارتکاب او بحال خود باقی و مبرم شده محسوب میشود بمقتضای این جریان رسیدگی دادگاه جنائی در این جزء و حکم تبرئه متهم مخالف اصول بوده و حکم آن دادگاه بموجب ماده ۳۰ قانون فوق الذکر با اتفاق آراء نقض میشود ...

کسی با اتهام ضرب عمدی منتهی بمرک تحت تعقیب واقع و دادگاه جنائی باستناد قسمت اول ماده ۱۷۱ و بارعایت تخفیف متهم را بدو سال حبس مجرد محکوم کرده است - دیوان کشور بر اثر درخواست تمیز از طرف مدعی العموم که جرم را منطبق با قسمت اخیر ماده ۱۷۱ دانسته حکم را نقض و دیوان جنائی دوم رسیدگی کرده و بعنوان آنکه دلیل کافی بر آنکه فوت بر اثر عمل متهم بوده دیده نشده او را تبرئه کرده و حکم مزبور بِنفع متهم قطعی شده. دیوان کشور شعبه ۲ بر اثر درخواست تمیز از طرف مدعی العموم بنام حفظ قانون در حکم شماره ۱۸۷۹ بتاریخ ۲۱/۸/۱۷ چنین رای داده است:

« بطوریکه از طرف مدعی العموم کل اعتراض شده حکم دادگاه جنائی مبنی بر تبرئه متهم از اصل ارتکاب عمل موضوع اتهام مخالف اصل محسوب است زیرا بر حسب اشعار و مستنبط از ماده ۴۱۰ و ۴۱۱ قانون اصول محاکمات جزائی در امور جنائی دادگاه دو رأی میدهد یکی تشخیص اصل تقصیر دیگری تطبیق گناه ثابت شده با ماده قانونی و